

علی جوادی در گفتگو با پروین کابلی: ۱۶ آذر روز آزادی و برابری است!

۱۶ آذر ۸۵ در تاریخ مبارزه برای آزادی و برابری ثبت شد

"حکومت طالبان نابود باید گردد"
"آزادی زن همیشه همیشه"
"رهایی جامعه رهایی زنان است!"



علیرغم بگیر و ببندها، علیرغم قتل و کشتار دانشجویان، رژیم اسلامی قادر نشد از برگزاری گسترده و همه جانبه اعتراضات دانشجویان در ۱۶ آذر جلوگیری کند. اخبار دریافت شده اولیه حاکی از آن است که ۱۶ آذر امسال گسترده و رادیکال بود. روز "نه" بود. روز اعتراض هایی که در بود. بیانیته ها منتشر شده بود و بلاگ نشان از جنب و جوش و تحرک جدید در میان دانشجویان بود امسال ۱۶ آذر با اعتراض به رژیم

آزادی مساوات تحریم انتخابات، اساتلو زرافشان آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشجو کارگر اتحاد اتحاد. در میان صف تجمع کنندگان این پلاکارد ها دیده میشد: زرافشان - اساتلو آزاد باید گردد، ۳ خودکشی ۲ مرگ ۱ قتل این است دانشگاه، آزادی بیجان و تشکل مستقل، دیوار های استبداد فرو خواهد ریخت، یا سوسیالیسم یا بربریت، رهایی جامعه رهایی زنان است، تشکل کارگری ایجاد باید گردد، از مبارزات کارگران سندیکا شرکت واحد حمایت می کنیم، ستاره ها را به آسمان باز گردانید نه کارنامه دانشجویان.

سازمان آزادی زن به همه دانشجویان آزادیخواه و برابری و سوسیالیست طلب برگزاری گسترده و رادیکال ۱۶ آذر را تبریک میگوید.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی
سازمان آزادی زن

دانشجویی و محیط دانشگاه کوییده می شود، ما شاهد تعمیق و تبلور یافتن جنبه های مختلف مطالبات جامعه در این روز هستیم. علاوه بر این ۱۶ آذر دیگر فقط روز دانشجو نیست. روز اعتراض جامعه و همگان علیه رژیم اسلامی است. روز "نه" است. "نه" به وضعیت موجود. "نه" به استبداد و حاکمیت سیاه مذهبی، "نه" به نابرابری و تحقیر و ستم موجود، "نه" به آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی و نابرابری زن و مرد است. ۱۶ آذر در تاریخ معاصر روز اعلام مطالبات برحق جامعه است. جامعه در ۱۶ آذر در عین حال جوهر مطالبات خود را مشاهده می کند.

پروین کابلی: گفته می شود که امسال در شرایط خاصی این روز برگزار می شود. به نظر شما این شرایط خاص چیست؟

ادامه در صفحه ۳



IRANA NEWS

Photo: Hamid Harasi

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

باید آناتومی جنبش آزادی زن را شناخت!

ادامه گفتگوی پروین کابلی و آذر ماجدی



رسمیت شناختن زنان به عنوان کشیش یا اسقف در کلیسای مسیحیت، پروتستانیسیم یا کلیسای انگلستان را جنبش زنان می‌نامند. بنظر من این مطالبه ربطی به دفاع از حقوق زن ندارد و کاملاً در تناقض با

جنبش آزادی زن قرار دارد. ولی کلیه چنین فعالیت‌هایی در چهارچوب فمینیسم جا می‌گیرد. فمینیسم هم دارای گرایش‌های متفاوت است. از راست‌ترین گرایش‌هایی که ضد مرد هستند و خواهان جدایی کامل میان زنان و مردان اند تا گرایش‌های چپ سوسیال فمینیستی. من مشکلی ندارم که این جنبش را فمینیسم بنامم. ولی فمینیسم را هم نمی‌توان بدون توصیف و توضیح استفاده کرد.

به سوال شما برگردم. همانطور که در سوال پیش توضیح دادم بعلت شرایط اختناق وسیع، عمده چهره‌های سرشناس و سخت‌گویان اصلی جنبش دفاع از حقوق زن به گرایش ملی-اسلامی متعلق اند. به این معنا این گرایش نقش مهمی دارد. ولی پایه اصلی جنبش به این گرایش تعلق ندارد. اگر جنبش دفاع از حقوق زن عملاً جلو می‌رود و مبارزه اش را ادامه می‌دهد، بخاطر گستردگی و عمق جنبش آزادی زن در بطن جامعه است. گرایش‌های متفاوت درون جنبش دفاع از حقوق زن در جامعه هنوز از هم تفکیک نشده اند و تعیین سازمانی نیافته اند. در ظاهر ما با یک جنبش وسیع بی شکل و سازمان روبرو هستیم که عمدتاً رهبری گرایش ملی-اسلامی بر آن اعمال می‌شود. مبارزات و

بروزات اعتراضی وسیع و اجتماعی در دفاع از حقوق زن عمدتاً تحت رهبری این گرایش به پیش می‌رود. ولی کمی که در این جنبش عمیق می‌شویم متوجه تفاوت‌ها و تمایزات می‌شویم. بخش وسیعی از فعالین این جنبش و چهره‌های جوانتر آن به گرایش رادیکال تعلق دارند و با اسلام و مذهب سر آشتی ندارند. به این معنا گرایش

ملی-اسلامی نقش تعیین کننده‌ای ندارد. بنا بر این بسته به این که از چه زاویه و عمقی این جنبش را مورد تحلیل قرار می‌دهیم گرایش ملی-اسلامی یا گرایش رادیکال برجسته می‌شود. بنظر من نقش ما در تعیین دادن به گرایش‌های مختلف و تفکیک آنها بسیار اساسی است. گرایش ملی-اسلامی از آزادی عمل بسیار بیشتری برخوردار است و به اسم کل زنان حرف می‌زند. جنبش ما در شرایط اختناق امکان عرض اندام علنی بسیار کمتری دارد. باید اصول و سبک کار فعالیت در این شرایط را تعریف کرد، و امکان عرض اندام فعالین رادیکال را فراهم آورد. سازمان آزادی زن باید رهبری خود را بر این گرایش تأمین کند و مانند چتری کلیه فعالین رادیکال را گرد خود جمع کند. اگر ما موفق نشویم هژمونی گرایش رادیکال را بر این جنبش تأمین کنیم، گرایش ملی-اسلامی می‌تواند جنبش آزادی زن را عملاً سقط و افق و مطالبات آن را محدود کند. مساله دادن افق به گرایش رادیکال و تأمین چتر سازمانی برای آن یکی از وظایف اصلی و مهم ماست. ما باید بتوانیم به سخنگوی این جنبش بدل شویم. مساله رهبری و افق دو مساله کلیدی است.

خوانندگان گرامی نشریه در نظر دارد از طریق مصاحبه‌ای کوتاه خوانندگان را با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن بیشتر آشنا کند. نظر آنها در مورد مسائلی از قبیل آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، مخالفت با دیکتاتوری، آپارتاید جنسی و ... بر کسی پوشیده نیست. اما بد نیست بدانیم در مورد مسائل معمولی و روزانه چه اندیشه‌ای دارند و چگونه رفتار می‌کنند. سه سوال و سه جواب کوتاه شاید بعد دیگری از افکار و فعالیت‌های آنها را نشان دهند. نظرات و سوالات خود را برای ما بفرستید. سعی خواهیم کرد به آنها پاسخ دهیم. azadizani@yahoo.com

1. اوقات فراغتستان را چگونه می‌گذرانید؟

مریم کوشا: اگر اوقات فراغتی باشد، اول استراحت می‌کنم، با دوستانم به رستوران و پاب می‌روم که موزیک زنده می‌زنند. بعضی اوقات هم نقاشی می‌کنم. اخیراً توانستم به سینما هم بروم!!

اسماعیل مولودی: ورزش می‌کنم، باهمسرم و بچه‌هایم هستم و با به ملاقات دوستان می‌روم. همکارانم بیرون می‌روم. **شاهلا نوری:** اگر وقت کنم برنامه‌های کانال جدید را دنبال می‌کنم و می‌بینم. بعضی اوقات به دوستانم زنگ می‌زنم. ورزش هم نمی‌کنم!

2. نام آخرین کتابی که خوانده اید چیست؟ مقداری در مورد آن توضیح دهید!

مریم کوشا: کتابی که الان

دارم می‌خوانم اسمش هست اونطرف سکه از مارین کیز. درباره زندگی زنی است که شغل خیلی خوبی دارد ولی با جدا شدن پدر و مادرش زندگی‌اش زیرو رو می‌شود. زیرا مادرش نمی‌تواند با این جدایی کنار بیاید و می‌خواهد که دخترش همیشه پیشش باشد. کارش مختل می‌شود و روابطش با دوستانش و پدر و مادرش عوض می‌شود.

اسماعیل مولودی: از یک نویسنده سوئدی بود و اسم

کتاب "قلبم مثل اسلحه" داستان خانواده‌ای است که در دهه 1930 از سوئد به آمریکا مهاجرت کردند. دختر بزرگ خانواده با ترومن (وزیر خارجه آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم) آشنا می‌شود و ازش صاحب یک پسر می‌شود که هیچوقت ترومن حاضر نشد بچه‌اش را ملاقات کند. حال غم انگیز. **شاهلا نوری:** روانشناسی بالینی، تالیف دکتر سعید شاملو که بیشتر به روان درمانی، رفتار درمانی، شناخت درمانی و اختلالات در روابط انسانی می‌پردازد.

3. رابطه عشق و سکس را چگونه می‌بینید؟

مریم کوشا: سکس بدون عشق می‌شود ولی عشق بدون سکس نمیشود!

اسماعیل مولودی: عشق و سکس دو پدیده جدا می‌توانند باشند ولی سکس بدون عشق ...؟

شاهلا نوری: بنظر من هیچ ربطی بهم ندارند. چون سکس جزء نیازهای اولیه انسان است اما عشق نه!



پیام همبستگی به مناسبت ۱۶ آذر

مادر ۱۶ آذر

در کنار شما خواهیم بود!

که امسال نیز در محافل دانشگاهی دست به دست می‌گردد نشاندهنده آن است که امسال نیز شما بر این خواستهای پایه‌ای جنبش آزادی و برابری زن و مرد تاکید دارید. دانشجویان عزیز مادر ۱۶ آذر کنار شما خواهیم بود. از مبارزات شما حمایت می‌کنیم. به شما درود می‌فرستیم و شعار زنده باد آزادی زن را با هم در این روز سر خواهیم داد. امیدواریم که ۱۶ آذر امسال نقطه عطفی در تغییر فضای سیاسی جامعه باشد.

همبستگی زنان

آذر 85



انتظامی، و همچنین تلاش برای دامن زدن به جنبش آزادی بیان و یا آنچه که بعضاً جنبش "تریبون آزاد" نام گرفته است. این وضعیت و اعتراضات جاری باید به یک حرکت عمومی در سطح دانشگاهها منجر شود. حرکتی که می‌تواند و باید به تثبیت توازن قوای سیاسی جدیدی به نفع آزادیخواهی، برابری طلبی و چپ در دانشگاهها شود.

پروین کابلی: به عنوان آخرین سوال رابطه جنبش زنان و دانشجویی را چگونه می‌بینید؟ آیا اساساً رابطه‌ای وجود دارد؟

علی جوادی: اعتراضات دانشجویان را دیوار چین از جامعه و جنبشهای اجتماعی موجود مجزا نکرده است. نه "جنبش زنان" جنبش یکدستی است و نه "جنبش دانشجویان"! اعتراضات در دانشگاهها بازتاب و گوشه‌ای از اعتراضات در جامعه است. مساله زن و مبارزه برای آزادی و برابری زن و مرد در جامعه یک مساله گرهی در جامعه است. به همین اعتبار در اعتراضات گرایشهای مختلف در سطح دانشگاه منعکس می‌شود. اما چند سالی است که شعارهای آزادی زن معیار آزادی جامعه است، زنده باد آزادی زن، ایران زندان زنان است، شعارهایی است که این انعکاس مطالبات جنبش آزادی زن را منعکس می‌کند.

آدرس پستی

PO Box 42300
London N12 0WY
UK

به ما کمک مالی کنید

Lloyds Bank
Account: 0972959
Sort code: 30-99-86

369Green Lanes
Palmers Green
London N13 4JH
UK

ادامه گفتگوی علی جوادی با پروین کابلی
۱۶ آذر روز آزادی و ...

از صفحه ۱



علی جوادی: رژیم اسلامی تهاجم گسترده و فشرده‌ای را علیه اعتراضات در دانشگاه، بعد از یکسره شدن قدرت در دست جناح راست،

آغاز کرد. بسیاری از دانشجویان آزادیخواه و رادیکال دستگیر و ممنوع التحصیل شدند. تلاش کردند تا دانشگاه را هم به گورستان روضه خوانها تبدیل کنند. اما علیرغم فشار و سرکوب زیاد نتوانستند. امسال شاهد درگیری و کشمکش بالاتری در دانشگاههای بسیاری در تهران و برخی شهرهای مهم هستیم. امسال در شرایطی به استقبال ۱۶ آذر می‌رویم که رژیم در دانشگاه کشتار کرده است. دانشجویی را در سبزوار به قتل رساندند، دو دانشجوی دیگر بر اثر تعلق جان خود را از دست دادند. دانشگاه پلی تکنیک و علامه و تهران در اعتراض گسترده به سر می‌برند. ۱۶ آذر می‌تواند اوج این مجموعه اعتراضی باشد. علاوه بر این ما شاهد تلاش بخشهای مختلف دانشجویان چپ و کمونیست هستیم که می‌کوشند به اعتراض در این روز خصلت سراسری و چپ بدهند. بیانیه‌هایی که در این زمینه در وبلاگهای مختص ۱۶ آذر منتشر شده است یک نمونه برجسته از این تلاشها است. بطور خلاصه ۱۶ آذر می‌تواند ورق را در جامعه برگرداند. **پروین کابلی:** شما از یک تهاجم گسترده رژیم صحبت می‌کنید و نتیجه این تهاجم را یکسره شدن قدرت در دست جناح راست می‌دانید. در این مدت تعدادی از دانشجویان هم کشته شده اند. فکر نمی‌کنید که اعتراضات گسترده دانشجویی برای مدتی به عقب رانده شده است و باید منتظر دوره ای

به سازمان آزادی زن پیوندید

16 آذر را باید گسترده تر کرد!



تاریخا 16 آذر روز دانشجوی نام گرفته است. اگر قبلا 16 آذر محدود بود به خواستهای رفاهی و در بهترین حالت مسئله مبارزه با عوامل رژیم در دانشگاه بود، امروز باید بسط اعتراض گسترده جامعه و تعرض به بساط حکومت مذهبی و بر چیدن آن باشد. ملزومات این نوع حرکت با توجه به موقعیت مبارزه آزادیخواهانسه کارگران، زنان، دانشجویان و مردم آزاده ایران وجود دارد. ماتریال این شرایط بارها در جامعه در مقاطع مختلف به کار گرفته شده است. نمونه آن 18 تیرها، اعتراضات کارگری، جنبش دفاع از حقوق کودکان، جنبش برابری طلبی و دفاع از برابری زن و مرد در جامعه و همبستگی بین جنبش اعتراضی و تجمع زنان برای لغو قوانین آپارتاید جنسی خود را به نمایش گذاشته است. یعنی جنبش دانشجویی در راستای اعتراضی سراسری گام میگذارد. اگر امروز به صحنه مبارزات مردم در ایران نگاه کنیم، مهمترین مسئله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری است که خواست همگان می باشد. البته تاکنون این جنبش افت و خیزهای خود را داشته اما رو به جلو و جدی دارد به پیش می رود و تلاش می کند موقعیت و حتی محتوا و افق سیاسی خود را عوض کند. برای اینکه این عوض شدن جدی و پایدار باشد لازم است که پرچم سوسیالیسم و دفاع قاطع از آزادی های بی قید و شرط را در جامعه بلند کند. 16 آذر باید آزادی های بی قید و شرط سیاسی را سرلوحه مبارزات خود قرار دهد.

متوسل شدن به نیروهای ملی مذهبی، پیوستن به نق نق زدن های گروه های درون رژیم، مشغول شدن و به انتظار نشستن نیروهایی که برای نگهداشتن حکومت تلاش می کنند، فقط انرژی و توان جنبش را به هدر می دهد. برای ایجاد دنیای بهتر باید نیروهای رادیکال کارگران و همه مردان و زنان آزادیخواه را متحد و متشکل کرد. متشکل کردن بدون ایجاد یک افق روشن و برابری خواهانه امکان پذیر نیست. یعنی اینها همه دست در دست هم دارند و با هم معنی درستی خواهند داشت. جنبش دانشجویی امسال از گسترده گی فراوانی برخوردار است. پیوستن این اعتراضات به هم و کوشش برای رسیدن به پلاتفرمی مشترک می تواند نیروی مبارزاتی این جنبش را بیشتر، قویتر و سراسری تر کند. توان و انرژی آنرا افزایش دهد. در بعضی از مناطق ایران مسئله جنبش دانشجویی دارد برای بار اول بطور جدی مطرح می شود. این خود وظیفه هبران این

زنده با آزادی برابری
زنده باد اتحاد و همبستگی ما

اسماعیل مولودی
4 دسامبر 2006

در اصفهان چه خبر است؟

مطلبی که در زیر می خوانید مصاحبه ای است با یکی از زنانی که در اصفهان با دست نشانده های رژیم جمهوری اسلامی در هفته های اخیر برخورد داشته است

چند سال دارید؟

20 سال.

- در شهرهای مختلف روند سرکوب جوانان از طریق مأمورین انتظامی به همراه خواهران بسیجی به منظور ترویج حجاب، امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته است. شما به عنوان یک زن جوان بگویید در اصفهان چه خبر است؟

نیروهای گشت پلیس اخیرا همیشه در سطح شهر و در خیابان های پر رفت و آمد مثل نظر، چهار باغ، دروازه شیراز و غیره حضور دارند و اگر مورد مشکوکی، مثلا دختر و پسری در کنار هم، را ببینند حتما آنها را مورد بازجویی قرار می دهند، از ارتباطشان با هم سوال می کنند و در صورت نداشتن مدرکی که نشان از فامیل بودن این دو نفر و یا ازدواج آنها باشد به پاسگاه منتقل می شوند و بازجویی و سوال پیچ کردن و دخالت در روابط آدمها. می شه گفت که هرماه یک بار به محل های خاص و پر رفت و آمدی مثل انقلاب، دروازه دولت و شیخ بهایی هجوم می آورند و به زنان، پسرها و دخترها به خاطر نوع لباسشان و کوتاه بودنشان و غیره تذکر می دهند و اگر کمی مقاومت کنید، یا باید تعهد بدهید و یا سوار ماشینهای مخصوص مبارزه با فساد شده و مورد بازجویی قرار

می گیرید. این طور نیست که یک نفر پلیس زن بیاید تذکر بدهد بلکه چند زن پلیس ظاهر می شوند و تذکر می دهند و پشت سرشان چند مرد بسیجی هم می آیند که مراقب اوضاع باشند. مثل اینکه یک جانی را گیر انداخته اند و باید تمام راه های فرار را ببندند.

نظر شما در مورد این گونه برخوردها چیست و مردم چه عکس العملی نشان می دهند؟

این نوع برخورد و تصمیم گرفتن برای لباس پوشیدن آدمها واقعا تحقیرآمیز است و مردم چندین بار با فحش دادن و محافظت از جوانها اجازه ندادند که مأمورین آنها را با خود ببرند. ولی این حرکتها به صورت پراکنده است و معمولا اعتراض به این وحشیگریها در جمع های دوستانه در تاکسی و اتوبوسها است و اتفاقا همین (پراکندگی) عکس العملها باعث می شود که نیروهای سرکوب هر روز فشار بیشتری را تحمیل کنند.



رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سرمدیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سرمدیر
نیاز قاندی
اسماعیل اوجی